

مطالعه تطبیقی نمادهای حیوانی در ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی برای فارسی‌آموزی خارجیان *

الهام صداقت^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اسماعیل آذر^۲

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهمن زندی^۳

استاد زبان شناسی همگانی، گروه ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

ضرب‌المثل‌ها بخش مهمی از زبان و ادبیات ملل هستند که می‌توانند خارجی‌ها را با جامعه‌زبانی برآمده از آن آشنا سازند؛ از این رو مطالعه تطبیقی ضرب‌المثل‌ها می‌تواند در آموزش زبان خارجی و تقویت توانش ارتباطی زبان‌آموزان مفید باشد. با توجه به تعداد قابل توجه فارسی‌آموزان خارجی در سراسر جهان و حضور گسترده آنان در مراکز آموزش زبان فارسی در ایران، مطالعه تطبیقی ضرب‌المثل‌ها یکی از راه‌های دستیابی به اشتراکات فرهنگی-زبانی در جهت تسهیل آموزش زبان فارسی به خارجیان است. در این پژوهش کیفی که با روش توصیفی-تحلیلی و با حضور ۲۵۰ فارسی‌آموز از کشورهای مختلف عربی انجام شده، بیست ضرب‌المثل پرکاربرد و رایج فارسی و عربی حاوی اسامی حیوانات (ده ضرب‌المثل فارسی و معادل آنها در عربی و ده ضرب‌المثل عربی و معادل آنها در فارسی) براساس الگوی ریچموند (۱۹۸۷) و طبقه‌بندی زرکوب و امینی (۱۳۹۳) مطابقت داده شدند. نتایج نشان داد که اشتراکات زبانی و فرهنگی بسیار زیادی میان عرب‌زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها در به‌کارگیری اسامی حیوانات در ضرب‌المثل‌ها وجود دارد که می‌توان با در نظر گرفتن این اشتراکات و استفاده از ضرب‌المثل‌های رایج فارسی که مشابه آن در کشورهای عربی نیز وجود دارد؛ از بیشتر سوء تفاهم‌های فرهنگی و زبانی پیشگیری و امر آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان عرب را تسهیل کرد.

واژه‌های کلیدی: ضرب‌المثل، نمادهای حیوانی، فارسی‌آموزی، فارسی‌آموزان عرب، الگوی ریچموند، طبقه‌بندی زرکوب و امینی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰

¹ Email: elham.sedaghat.azfa@gmail.com

² Email: e-azar@srbiau.ac.ir

³ Email: zandi@pnu.ac.ir

(نویسنده مسئول)



Persian language international teaching studies
Year 8, Number 14, Autumn and Winter 2023-2024; pp (179-206)

مركز الموهوبين
مطالعات آموزش بین المللی زبان فارسی
سال ۸، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲؛ صفحات (۱۷۹-۲۰۶)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

A Comparative Study of Animal Symbols in Persian and Arabic Proverbs for Teaching Persian Language to Foreigners *

Elham Sedaghat¹

Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Esmacil Azar²

Professor, Department of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Bahman Zandi³

Professor of General Linguistics, Department of Persian Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

Proverbs are an important part of the language and literature of nations which can introduce foreigners to the linguistic community that emerged from it. Therefore, a comparative study of proverbs can be useful in foreign language teaching and strengthening the communication ability of language learners. Considering the significant number of foreign Persian learners around the world and their vast presence in Persian language teaching centers in Iran, a comparative study of proverbs is one of the ways to achieve cultural-linguistic commonalities in order to facilitate the teaching of Persian language to foreigners. In this qualitative research, which was conducted with the descriptive-analytical method and with the presence of 250 Persian learners from different Arab countries, twenty widely used and common Persian and Arabic proverbs containing the names of animals (ten Persian proverbs and their equivalents in Arabic language and ten Arabic proverbs and their equivalents in Persian language) were matched based on Richmond's model (1987) and Zarkoub and Amini's classification (2014). The results showed that there are many cultural-linguistic commonalities between Arab-speaking and Persian-speaking people in using animal names in proverbs. Considering these commonalities and using common Persian proverbs whose equivalents are also used in Arab countries can prevent most of the cultural and linguistic misunderstandings and facilitates the teaching of Persian language to Arab Persian learners.

Keywords: proverb, animal symbols, Persian Learning, Arab Persian learners, Richmond's model, Zarkoub and Amini's classification.

* Received: 15/7/2024 | Accepted: 11/10/2024

¹ Email: elham.sedaghat.azfa@gmail.com

² Email: e-azar@srbiau.ac.ir. (Corresponding Author)

³ Email: zandi@pnu.ac.ir

۱- مقدمه

در آموزش هر زبانی به خارجیان فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی آن زبان را نیز باید در نظر گرفت؛ زیرا فرهنگ به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر هر زبانی برای فهمیدن آن زبان و درک متقابل سخنوران آن اهمیت بسیاری دارد. از این رو هر منبع زبانی که بتواند دانش کاربران غیربومی یک زبان را از مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه زبانی آن افزایش دهد، مفید واقع و به افزایش توانش ارتباطی آن کاربران منتهی خواهد شد. یکی از این منابع اصیل فرهنگی، ادبی و زبانی هر کشور ضرب‌المثل‌ها هستند که به عنوان بخش مهمی از زبان و ادبیات عامه و رسمی ملل می‌توانند خارجی‌ها را با جامعه زبانی برآمده از آن آشنا سازند. ضرب‌المثل‌ها به‌ویژه ضرب‌المثل‌های رایج که برگرفته از زبان روزمره مردم یک جامعه زبانی هستند، زمینه آشنایی کاربران غیربومی با ویژگی‌های جامعه‌شناختی آن زبان را فراهم می‌سازند. افزون بر فواید کلی جامعه‌شناختی زبانی ضرب‌المثل‌ها، هر یک از عناصر (انسانی، حیوانی، گیاهی و...) به کار رفته و نحوه به کارگیری آنها در ضرب‌المثل‌های یک جامعه زبانی نیز می‌تواند نمادی از مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی آن جامعه و منبع خوبی برای افزایش آگاهی و سواد فرهنگی-اجتماعی کاربران غیربومی آن زبان باشد. در میان اسامی به کار رفته در مثل‌ها، اسامی مربوط به حیوانات به جهت فراوانی، نقش قابل توجهی دارند که به منظور تأکید بر یک یا چند ویژگی معنایی مشترک در مفهوم آن اسامی و انسان به کار می‌روند (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۹) و این «جانوران نمادین اساساً می‌توانند بازتاب تیپ‌های شخصیتی و گویای نمودهای رفتارهای گوناگون آدمی به‌شمار آیند» (رحیمی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۰۷)؛ اما گاهی برداشت و تصوراتی که مردم یک جامعه از یک حیوان دارند، با تصورات مردم جوامع دیگر هماهنگ و یکسان نیست. بررسی این ناهمخوانی‌های زبانی-فرهنگی موجب کشف بیشتر شباهت‌ها و تفاوت‌های جوامع زبانی مختلف و دستیابی به طرحواره‌های فکری مردم آن جوامع می‌شود؛ در نتیجه «از مسیر چنین داده‌هایی می‌توان زمینه‌های غالب فکری، فرهنگی و سیاسی مثل‌ها را واکاوی و ریشه‌های آن را تحلیل کرد» (غلامی و احمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۵). البته اینکه این داده‌ها و اطلاعات برگرفته از این منبع غنی زبانی «تا چه اندازه از فرهنگ ملی، اجتماعی و یا مذهبی مایه‌ورند،

پرسش‌هایی است که به پژوهش و شناسایی بیشتر نیازمند است» (همان: ۱۲۶)؛ برای مثال با بررسی کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌توان متوجه شد که نگاه جامعه فارسی‌زبان به بعضی حیوانات جنبه ملی و اسطوره‌ای (مانند: نقش شیر در پرچم و آثار باستانی ایران)، باورهای اجتماعی (مانند: خبرچینی، نحسی، شومی و بدشگونی کلاغ از نظر ایرانیان) و مذهبی (مانند: نجاست موش و سگ از نظر فقه اسلامی) دارد؛ در نتیجه «توجه به ادبیات عامه به‌ویژه ضرب‌المثل‌ها که بیانگر روحیات اجتماعی و عقاید و افکار مردم کوچه و بازار است، می‌تواند در شناخت هر چه بیشتر اندیشه‌های اجتماعی ایرانیان مؤثر باشد» (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۴). از سوی دیگر با مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی با ضرب‌المثل‌های دیگر زبان‌ها می‌توان متوجه شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها شد؛ برای مثال وانگ زن رونگ (۱۳۹۳) با مقایسه «اژدها و مار»، «ببر و شیر»، و «اسب» در ضرب‌المثل‌های چینی و فارسی (حیوانات پرکاربرد) که در تقویم چینی و ایرانی دیده می‌شوند نشان می‌دهد که افزون بر تفاوت کاربرد حیوانی خیالی و اژدهایی که به‌نظر چینیان سمبل پادشاه و پادشاهی و در نگاه ایرانیان سمبل دیو و شر و پلیدی است؛ حیوانات واقعی که برای بیان معنای یکسان به کار می‌روند، گاهی معانی سمبلیک مشابه در دو فرهنگ پیدا می‌کنند، مثلاً مار در دو زبان چینی و فارسی حیوان وحشتناک و جنایتکار دانسته می‌شود. ببر و شیر هر دو نشان‌دهنده قدرت و پادشاهی هستند. اسب برای چینیان و ایرانیان، یار و همراه به‌شمار می‌آید؛ بنابراین حیوانات واقعی، طبیعت یک ملت را منعکس می‌کنند، خواه طبیعت و خواه فرهنگ. پس ما نمی‌توانیم زبان یک کشور را بدون آشنایی با فرهنگ آن تحلیل کنیم (وانگ زن رونگ، ۱۳۹۳: ۲۷) و باید در فرآیند زبان‌آموزی، این شباهت‌ها و به‌ویژه تفاوت‌های زبانی- فرهنگی را برای یادگیرندگان هر دو زبان به‌ویژه فارسی‌آموزان چینی در نظر گرفت؛ همچنین معرفت‌پور (۱۳۹۸) با بررسی برخی از پرکاربردترین حیوانات (شتر، سگ، گرگ و کلاغ) در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی به این نتیجه رسید که عرب‌ها به دلیل محیط، نوع و سبک زندگی، حیوانات را دقیق‌تر رصد کرده و در ضرب‌المثل‌هایشان، هم به ویژگی‌های خوب و هم به ویژگی‌های بد حیوانات جهت تبیین مفاهیم مختلف و صفات و رفتارهای خوب و بد

انسان‌ها و ترسیم برخی از موقعیت‌ها پرداخته‌اند. دیدگاه فارسی‌زبان‌ها در مورد حیوانات نیز در بیشتر موارد با عرب‌زبان‌ها مشابهت و همپوشانی دارد. این امر شباهت‌های فرهنگی هر دو ملت (فارسی‌زبان و عرب‌زبان) و فواید آن برای یادگیرندگان هر دو زبان را بیشتر نمایان می‌سازد، ولی نباید از تفاوت‌های جزئی زبانی- فرهنگی در زبان‌آموزی به‌ویژه برای فارسی‌آموزان عرب غافل شد.

در نتیجه آموزش ضرب‌المثل‌ها و کاربردشان می‌تواند برای فارسی‌آموزان خارجی، به‌ویژه آنان که مقیم ایران هستند (فارسی به عنوان زبان دوم) در کنش‌های ارتباطی‌شان با ایرانیان بسیار مفید و مؤثر باشد؛ زیرا ضرب‌المثل‌ها در جامعه فارسی‌زبان آن‌قدر متداول هستند که فارسی‌زبانان حتی از کودکی (فارسی به عنوان زبان اول) با ضرب‌المثل‌ها آشنایی دارند (میرحسینی، ۲۰۱۷: ۷۱) و برخی اعتقاد دارند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا)، گنج‌اندیدن ضرب‌المثل‌های مناسب در متون آموزش زبان فارسی می‌تواند در ایجاد نگرش مثبت فارسی‌آموزان نسبت به فرهنگی که این ضرب‌المثل‌ها از آن برآمده است (فرهنگ ایرانی)، سهمی در خور توجه ایفا کند و موجب ارتقای انگیزه برای فراگیری زبان فارسی شود (اکبری، ۱۳۸۲: ۲۵). بنابراین آشنا ساختن فارسی‌آموزان خارجی با این منبع اصیل زبانی، آنان را در درک مؤلفه‌های فرهنگی- اجتماعی زبان فارسی یاری می‌رساند. افزون بر این، آگاهی از کارکردهای نمادهای حیوانی به عنوان یکی از عناصر پرکاربرد در ضرب‌المثل‌های فارسی و آشنایی با شباهت‌ها و تفاوت‌های این نمادها با نمادهای حیوانی در ضرب‌المثل‌های زبان مادری فارسی‌آموزان خارجی نیز نقش بسزایی در این امر خواهد داشت، چون بهره‌گیری از نمادهای جانوری نقش مهمی در خلق تصاویر و القای مفاهیم در ضرب‌المثل‌های فارسی دارد (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۴۴). بر این اساس، در پژوهش حاضر «با توجه به اهمیت نام حیوانات در گنجینه ضرب‌المثل‌ها، چه به لحاظ فراوانی و چه به لحاظ نقش و کاربرد» (شریفی‌مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۰)، به‌ویژه در شناساندن جامعه فارسی‌زبان برای غیرفارسی‌زبانان و افزایش شناخت فارسی‌آموزان از شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و زبانی ضرب‌المثل‌های زبان مادری خود با ضرب‌المثل‌های زبان فارسی به این سؤال

پاسخ داده می‌شود که «مقایسه نمادهای حیوانی ضرب‌المثل‌های فارسی با زبان مادری فارسی آموزان چه نقشی می‌تواند در فارسی‌آموزی داشته باشد؟».

۲. پیشینه پژوهش

برخی پژوهش‌ها به کاربرد حیوانات در امثال - این بخش پر کاربرد زبان - از دیدگاه‌های متفاوتی پرداخته‌اند؛ از جمله حاجیان‌نژاد و بهزادیان (۱۳۹۹) در تحلیل خود از کیفیت و کمیت بهره‌گیری از نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی به وانمایی نقش نمادین حیوانات و انگیزه‌ها و دلایل به کارگیری نمادهای جانوران در این ضرب‌المثل‌ها می‌پردازند. رحیمی و رحیمی (۱۳۹۹) با توجه به اهمیت آگاهی از تیپ‌های شخصیتی در بهبود روابط اجتماعی، تیپ‌های شخصیتی و نمادهای جانوری را در امثال و حکم و فرهنگ عامه براساس «نظریه آلفرد آدلر»^۱ بررسی می‌کنند. آرمان و همکاران (۱۳۹۸) استعاره‌های مفهومی صور حیوانی در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادبی را براساس نظریه زبان‌شناسی شناختی واکاوی می‌کنند. موسوی (۱۳۹۴) به بررسی نوع حیوانات و علل وجود آنها در ضرب‌المثل‌های فارسی می‌پردازد. شریفی‌مقدم و ندیمی (۱۳۹۲) با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی، تحلیلی معناشناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار ارائه می‌دهند؛ افزون بر این، پژوهش‌هایی نیز جنبه تطبیقی و مقایسه‌ای دارند؛ از آن جمله، عرفت‌پور (۱۳۹۸) برای تبیین مفاهیم مختلف کارکرد حیوانات، ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی را ارزیابی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که در ضرب‌المثل‌های هر دو زبان برخی از پرکاربردترین حیوانات (شتر، سگ، گرگ و کلاغ) با ملموس نمودن مفاهیم انتزاعی و ترسیم برخی از موقعیت‌ها، گاهی ویژگی‌ها و رفتارهای طبیعی و مثبت و منفی انسان‌ها و گاهی مفاهیم پندآموز را مطرح می‌کنند که اشتراکاتی در دیدگاه هر دو زبان به حیوانات وجود دارد. وانگ زن رونگ (۱۳۹۳) نیز به مقایسه حیوانات در ضرب‌المثل‌های چینی و فارسی پرداخته، و به شباهت‌ها و تفاوت‌های برخی حیوانات (مار و اژدها، بیر و شیر و اسب) به کار رفته در ضرب‌المثل‌های دو زبان یادشده اشاره می‌کند و علت تفاوت نوع و کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های این دو زبان را تأثیرات

1. Alfred Adler's theory

فرهنگی و جغرافیایی می‌داند؛ اما در میان پژوهش‌های انجام شده، تحقیقی یافت نشد که به نقش نمادهای حیوانی ضرب‌المثل‌ها در زبان‌آموزی پرداخته باشد و درحالی‌که پژوهش‌های مطرح شده در پیشینه، در تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر جهت نمایاندن فواید آشنایی با نمادهای حیوانی ضرب‌المثل‌ها در فارسی‌آموزی و کارکردهای آنها برای کاربران غیربومی فارسی، به‌ویژه برای فارسی‌آموزان خارجی مقیم ایران (فارسی به عنوان زبان دوم) جهت تقویت توانش ارتباطی آنان به کار برده شدند.

۳. روش پژوهش

مطالعه تطبیقی ضرب‌المثل‌ها می‌تواند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) و تقویت توانش ارتباطی فارسی‌آموزان مفید باشد. با توجه تعداد قابل توجه فارسی‌آموزان عرب در سراسر جهان و حضور گسترده آنان در مراکز آموزش زبان فارسی در ایران، مطالعه تطبیقی ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی یکی از راه‌های دستیابی به اشتراکات فرهنگی-زبانی در جهت تسهیل آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان است.

در این پژوهش کیفی که برگرفته از رساله دکتری مدرس (نویسنده اصلی مقاله) است، داده‌ها در همان کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان جمع‌آوری شدند تا اطمینان حاصل شود که ضرب‌المثل‌های پیشنهادی آنها فوراً به ذهنشان به عنوان گویشوران اصلی زبان عربی متبادر و فرصت جستجو کردن در اینترنت پس از کلاس از آنها گرفته شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها در مرحله نخست به فارسی‌آموزان عرب‌زبان (۲۵۰ فارسی‌آموز) از کشورهای مختلف از جمله لبنان، سوریه، عراق، یمن، بحرین و فلسطین ده ضرب‌المثل رایج فارسی با نام حیوانات برگرفته از پژوهش اکبری (۱۳۸۲) ارائه و تدریس شد. سپس از آنها خواسته شد معادل عربی آن ضرب‌المثل‌ها را که به ذهنشان می‌رسد، یادداشت و بیان کنند؛ بدین جهت به آنها گفته شد ضرب‌المثل‌های مورد نظرشان را یادداشت کنند که هنگام بیان ضرب‌المثلی از سوی یک فارسی‌آموز، اطمینان حاصل شود که فارسی‌آموزان دیگر، صرفاً به تقلید از او آن ضرب‌المثل را بیان نکرده‌اند و هر فارسی‌آموز از روی یادداشت خود ضرب‌المثل مورد نظرش را بیان کند که اگر تکراری در بیان ضرب‌المثلی صورت می‌گیرد، نشان از صحیح،

دقیق، رایج و پر کاربرد بودن آن داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه ضرب‌المثل‌های پژوهش اکبری (۱۳۸۲) از فارسی‌زبانان تحصیل‌کرده دانشگاهی با طی فرآیندی برای انتخاب رایج‌ترین ضرب‌المثل‌های فارسی به‌دست آمده، در این پژوهش از تکرار آن فرآیند خودداری و به رواج این ضرب‌المثل‌ها در میان جامعه فارسی‌زبان جهت انجام این پژوهش اعتماد شده است. با توجه به محدودیت‌ها از جمله دسترسی نداشتن به جامعه عرب‌زبان خارج از کشور که از تسلط آنان به زبان فارسی اطمینان داشته باشیم، برای جمع‌آوری ده ضرب‌المثل رایج عربی در مرحله بعد، از فارسی‌آموزان عرب‌زبان مقیم ایران استفاده و خواسته شد ضرب‌المثل‌های عربی حاوی اسامی حیوانات را که فوراً به ذهنشان می‌رسد، یادداشت و بیان کنند. بار اول و فوری به ذهن رسیدن و تکرار ضرب‌المثل‌ها از زبان فارسی‌آموزان عرب در همه کلاس‌ها به عنوان معیار رواج آن ضرب‌المثل در میان عرب‌زبان‌ها برای این پژوهش در نظر گرفته شد. در هر کلاس از ضرب‌المثل‌هایی که فارسی‌آموزان به عنوان گویشوران اصلی و بومی زبان عربی در وهله نخست بیان می‌کردند، یادداشت‌برداری و فهرستی از ضرب‌المثل‌ها تهیه و از میان چک‌لیست‌ها، ده ضرب‌المثل که بیشترین تکرار را داشتند، برای این پژوهش انتخاب شدند. البته پس از جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های عربی، آن ضرب‌المثل‌هایی که بیشترین تکرار را داشتند، دوباره در اختیار فارسی‌آموزان عرب‌زبانی قرار داده شدند که به دلایلی (همچون اقامت بیشتر و ارتباط با ایرانیان، تماشای فیلم و استفاده از رسانه‌ها) با فارسی و جامعه فارسی‌زبان آشنایی بیشتر زبانی-فرهنگی داشتند، تا از صحیح، دقیق و رایج بودن آنها اطمینان حاصل شود. سپس با زدن مثال‌های یادشده جهت شفاف‌سازی طبقه‌بندی‌ها با روش توصیفی — تحلیلی به بررسی و طبقه‌بندی ضرب‌المثل‌ها بنابر الگوی ریچموند (۱۹۸۷) و دسته‌بندی سه‌گانه زرکوب و امینی (۱۳۹۳) پرداخته شد.

۴. چارچوب نظری

با اینکه ضرب‌المثل‌ها در ارتباطات روزمره در محیط‌های مختلف کاربرد فراوانی دارند (Krikmann, 2009: 51)، برای داشتن ارتباط شفاهی و نوشتاری معنادار هم افراد بومی و هم

خارجی به این ابزار مؤثر کلامی نیاز دارند (Mieder, 1993: 54) و حتی افرادی نیز در حوزه آموزش زبان (زبان دوم و خارجی) به فواید و ابعاد آموزشی ضرب‌المثل‌ها، به‌ویژه در افزایش توانش فرهنگی و ارتباطی زبان‌آموزان پرداخته‌اند (Zaid, 2016; Ajoke et al., 2015; Baharian & Rezai, 2014; Akbarian, 2010 & Hanzén, 2007) اما در بسیاری از کتاب‌های آموزش زبان اول و خارجی نبود توجه کافی به ضرب‌المثل‌ها تقریباً امری شایع است (Mieder, 2004: 147). این خلأ استفاده از ضرب‌المثل‌ها در متون آموزش زبان فارسی نیز وجود دارد؛ بر این اساس در پژوهش حاضر برای نشان دادن فواید ضرب‌المثل‌ها در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) به مؤلفان، مدرسان و فارسی‌آموزان، الگوی پنج‌گانه ریچموند (۱۹۸۷) برای مقایسه ضرب‌المثل‌های زبان فارسی با زبان مادری فارسی‌آموزان پیشنهاد شد و نمونه‌ای از تجربه مدرس (نویسنده مقاله) در استفاده از این الگو و الگوی زرکوب و امینی (۱۳۹۳) جهت مقایسه، دسته‌بندی و نمایاندن تفاوت‌ها و شباهت‌های ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی ذکر شد که از طریق چک لیست‌های جمع‌آوری شده در کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان جمع‌آوری شده بود. براساس طبقه‌بندی ریچموند (۱۹۸۷)، شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و معنایی ضرب‌المثل‌های زبان مادری زبان‌آموزان با زبان خارجی که یاد می‌گیرند، عبارت است از: ۱. ضرب‌المثل‌های هر دو زبان [خارجی و مادری] معنا و عبارتی یکسان [یا تقریباً یکسان] دارند؛ ۲. ضرب‌المثل‌های هر دو زبان معنایی مشابه، ولی عباراتی متفاوت دارند؛ ۳. ضرب‌المثل‌های هر دو زبان عبارتی مشابه، ولی معانی متفاوت دارند؛ ۴. برای ضرب‌المثل‌های خارجی معادلی در زبان مادری زبان‌آموزان وجود ندارد، ولی معنایش برای آنها قابل درک است؛ ۵. نه تنها برای ضرب‌المثل‌های خارجی معادلی در زبان مادری زبان‌آموزان وجود ندارد، بلکه معنای آنها نیز نامفهوم و ناملموس است. از نظر تطابق واژگانی و معنایی ضرب‌المثل‌ها هم می‌توان گفت که «منظور از مطابقت‌های واژگانی، تشابه در معانی لفظی واژه‌ها و منظور از مطابقت معنایی، اشتراک در مفهوم و کاربرد آنها است» (زرکوب و امینی، ۱۳۹۳: ۱۲۱)؛ بنابراین «می‌توان امثال را به سه دسته تقسیم کرد: ۱. مَثَل‌هایی که مطابقت واژگانی و معنایی

کامل دارند؛ ۲. مثل‌هایی که مطابقت واژگانی نسبی و معنایی کامل دارند و ۳. مثل‌هایی که مطابقت واژگانی ندارند، اما مطابقت معنایی دارند» (زرکوب و امینی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

۵. بحث و ارائه داده‌ها

ضرب‌المثل‌ها ظریف‌ترین افکار و اندیشه‌ها و مهم‌تر از همه، واقعیات یک جامعه را نمایان می‌سازند؛ از این‌رو یکی از منابع غنی و مطمئن در مطالعه فرهنگ یک جامعه هستند. ویژگی دیگر ضرب‌المثل‌ها، کاربرد کلمات معمول و مأنوس همچون اسامی حیوانات می‌باشد که اغلب با هدف برجسته ساختن یک ویژگی معنایی مثبت یا منفی در آنها و جلب نظر مخاطب به اهمیت موضوع است (شریفی‌مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۷)؛ زیرا تعامل انسان‌ها با عناصر طبیعت (به‌ویژه جانوران) برداشت خاصی از منش و شخصیت نمادین جانوری را در ذهن و زبان مردم رقم می‌زند که در بیان اندیشه‌های اخلاقی و بروز نگاه اجتماعی آنان دست‌مایه تصویرسازی می‌شود. از این‌رو واکاوی انواع کاربرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌ها ما را با چگونگی تعامل فارسی‌زبانان با جانوران در طول تاریخ و در گستره جغرافیایی سرزمین ایران بیشتر آشنا می‌کند (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۴). برای مثال در ضرب‌المثل‌ها که حاصل تجارب و مناسبات واقعی انسان از بطن اجتماع هستند، استفاده از اسامی حیواناتی که از نظر عامه جایگاه پستی دارند، گویای وجود اعتراض و انتقادهای وهن‌آلودی است که ضرورت‌توسل به حیوانات و به‌کارگیری آنها را در مثل‌ها در کنار سایر دلایل موجب شده است. در این میان، گویی انتساب و کشف صفات زشت و ناهموار در حیواناتی که با انسان مجاورت و پیوستگی مدام دارند، بیشتر روی داده است؛ از این‌رو، این دست از حیوانات مانند خر، شتر و سگ که بسامد چشمگیری در مثل‌ها دارند، اسباب کارآمدی برای ابراز انتقاد و بیان اعتراض شده‌اند (موسوی، ۱۳۹۴: ۸۶۷-۸۶۸). بنابراین در ضرب‌المثل‌های فارسی «حماقت و نادانی خران و گاو، دل‌آوری و شجاعت شیر، درنده‌خویی گرگ و پلنگ، طمع‌ورزی سگ به‌کار گرفته می‌شوند تا طینت و طبع افراد بشر به صورت ملموس توصیف شود» (عرفت‌پور، ۱۳۹۸: ۶). حاجیان‌نژاد و بهزادیان (۱۳۹۹) و آرمان و همکاران (۱۳۹۸) نیز به بعضی از نمادهای حیوانی (حیوانات اهلی، غیراهلی، پرندگان

و حشرات) جهت بازنمایی برخی ویژگی‌های منفی و مثبت ظاهری، باطنی و رفتاری اشاره می‌کنند که در بعضی موارد با هم همپوشانی دارند. براساس نظر آنها، حیواناتی که درنده‌خو و خطرناک هستند، نماد آزار، بدی، زشتی، پلیدی، ظلم و دشمنی؛ حیوانات کوچک نماد فرومایگی، حقارت، ضعف و ناتوانی؛ بعضی حیوانات نماد عاشقی، نیرومندی، شجاعت و شرافت؛ حیواناتی نیز نماد نادانی، بی‌خردی، حرص و طمع کاری هستند. به طور کلی باید گفت که بیشتر ضرب‌المثل‌های فارسی ساخته و پرداخته مردم کوچه و بازار است و تعامل نزدیک آنان با جانوران اهلی و خانگی و پندار و برداشت آنان از جانوران اهلی و وحشی و عقاید آنان نسبت به منش و رفتار حیوانات گوناگون نوعی برداشت نمادین را از جانوران در ذهن و زبان مردم رقم زده که در ضرب‌المثل‌ها نمود یافته است (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

براساس یافته‌ها، حیواناتی که بالاترین بسامد را در مثل‌های فارسی دارند، اغلب رام و اهلی هستند و بدین جهت ارتباط مستقیم و روزانه‌ای با زندگی مردم و عامه ساکن در کوچه و بازار داشته و در دسترس و دیدرس بوده‌اند و نیز حیواناتی که کمترین بسامد را در مثل‌ها دارند، اغلب نه تنها رام و اهلی نیستند بلکه دسته‌ای از آنها خطرناک هم هستند و بدین جهت بیشتر حیواناتی هستند که ارتباط مستقیم و مستمر با زندگی انسان ندارند و کمتر در دیدرس و تماس مستقیم می‌باشند. به‌طور خلاصه براساس بسامد حیوانات در مثل‌ها، تعداد به‌کارگیری و ذکر نام هر جانوری که با انسان الفت دارد و رام اوست، نسبت به آن جانورانی بیشتر است که از نوع وحوش به‌شمار می‌روند (موسوی، ۱۳۹۴: ۸۶۶). افزون بر این، رد پای پرندگان در ضرب‌المثل‌های فارسی نیز مشهود است، از قدیم‌الایام رفتار و حالات آنها مورد توجه بوده و به صورت نمادین در گذر زمان‌ها، قرون و اعصار سینه به سینه و بعضاً به صورت مکتوب به نسل‌های بعدی منتقل شده است (عرفت‌پور، ۱۳۹۸: ۲۴). البته در بهره‌گیری از نمادهای جانوری برخلاف حیوانات اهلی که از بیشترین بسامد در ضرب‌المثل‌ها برخوردارند، پرندگان کمترین بسامد را در ضرب‌المثل‌های فارسی دارند (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۱).

کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی با زبان‌های دیگر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی

دارد که این شباهت‌ها و تفاوت‌های میان کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف، دلایل بسیاری دارد. شاید یکی از دلایل مهم این باشد که «امثال در هزاران سال میان اقوام مختلف شکفته ... و در هر کشور براساس اختصاصات قومی، فرهنگی، آداب، سنت، مذهب و حتی وضع جغرافیایی و سیاسی آن کشور ویژگی‌هایی یافته است» (شکورزاده بلوری، ۱۳۸۰: ۷؛ به نقل از غلامی و احمدی، ۱۳۹۸: ۹۰). بنابراین با توجه به مؤلفه‌های اجتماعی-شناختی و در نظر گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم هر کشور و منطقه می‌توان متوجه شد که هرچند در زیرساخت ذهنی اهل زبان مفاهیم بسیار مشابهی از لحاظ اجتماعی-شناختی وجود دارند، ولی افراد از کلمات و ترکیب‌های متفاوتی برای بیان موضوع استفاده می‌کنند. پس در روساخت بازنمود عینی و ساختار هر مورد متفاوت می‌شود (زندگی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳۰-۳۳۱). در نتیجه بررسی مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی ضرب‌المثل‌ها از جمله مواردی است که بسیاری از شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی زبان‌ها و در واقع جوامع زبانی را نمایان می‌سازد. برای مثال زندگی و همکاران (۱۳۹۷: ۳۱۷ و ۳۳۰) با بررسی عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های دو زبان و فرهنگ متفاوت فارسی و انگلیسی نشان می‌دهند که هرچند بازنمود عینی و ساختاری اصطلاحات فارسی و انگلیسی در روساخت (کلمات و عبارات تشکیل‌دهنده و ساختار آنها) متفاوت است، ولی هر دو زبان زیرساخت معنایی و موضوعی مشابهی از لحاظ اجتماعی-شناختی دارند. این امر نشان می‌دهد در زیرساخت ذهنی گویشوران دو زبان یادشده مفاهیم بسیار مشابهی از این نظر وجود دارند که با استعاره‌ها در ذهن و زبان آنها کدگذاری شده‌اند. وانگ زونگ (۱۳۹۳) نیز اعتقاد دارد که اسامی و تفسیر حیوانات نمادین به کار رفته در ضرب‌المثل‌های دو زبان چینی و فارسی بیانگر تفاوت‌های فرهنگی آنها است؛ زیرا با آنکه «در بسیاری از ضرب‌المثل‌ها از حیوانات مشابه [مانند: اژدها] استفاده می‌شود، اما این حیوانات بار معنایی یکسانی ندارند و گاهی نیز برای معنای یکسان، حیوانات متفاوتی [مانند: ببر و شیر] به کار می‌روند» (وانگ زونگ، ۱۳۹۳: ۱۸). دلیل آن را هم باید خاستگاه، زیستگاه، وفور و اهمیت بعضی حیوانات در برخی کشورها و فرهنگ‌ها دانست؛ بنابراین ممکن است برداشت فارسی آموزان چینی از کاربرد و معانی

اسامی نمادین بعضی از حیوانات (واقعی یا خیالی) در ضرب‌المثل‌های فارسی با تصویری که از آن حیوانات در زبان چینی دارند مطابقت داشته باشد تا با زبان فارسی. در ادامه برای آشنایی با برخی شباهت‌ها و تفاوت‌های ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی حاوی اسامی حیوانات به ترجمه، معادل و دسته‌بندی داده‌هایی اشاره می‌شود که از فارسی‌آموزان عرب‌زبان به‌دست آمده است.

۱-۵. ضرب‌المثل‌های فارسی حاوی اسامی حیوانات همراه با معادل عربی‌شان و دسته‌بندی آنها

در جدول ۱، ضرب‌المثل‌های رایج فارسی حاوی اسامی حیوانات برگرفته از پژوهش اکبری (۱۳۸۲) همراه با ترجمه و معادل عربی به‌دست آمده از کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان ارائه و در ادامه دسته‌بندی می‌شود.

جدول ۱: ضرب‌المثل‌های رایج فارسی حاوی اسامی حیوانات برگرفته از پژوهش اکبری (۱۳۸۲) همراه با ترجمه و معادل عربی به‌دست آمده از کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان

ضرب‌المثل‌های فارسی	معادل عربی ضرب‌المثل‌های فارسی	ترجمه معادل عربی ضرب‌المثل‌ها به فارسی
۱ ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است.	أن تبدأ متأخراً خیر من آلا تبدأ أبداً.	دیر شروع کردن بهتر از هرگز شروع نکردن است.
۲ جوجه را آخر پاییز می‌شمارند.	لا تعدّ الفراخ قبل فقسها.	جوجه‌ها را قبل از این که از تخم دربیایند نشمار
۳ هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد (هر که خریزه می‌خورد پای لرزش هم می‌نشیند).	من طلب الحسنة يعطى مهرها.	هر که زیارویی را طلب کند، مهرش را هم باید بدهد.
۴ علف باید به دهن بزی شیرین بیاد.	لو لا تعدد الأذواق لكسدت الأسواق/البضائع/ و للناس فيما يعشقون مذاهب	سلیقه‌ها یکنواخت نیست.

معادل عربی		ضرب‌المثل‌های فارسی	
ترجمه معادل عربی	ضرب‌المثل‌ها به فارسی	معادل عربی	ضرب‌المثل‌های فارسی
هر پرنده‌ای با هم‌شکل/هم‌نوعش پرواز می‌کند.	الطیور علی أشكالها تقع / کل طیر یطیر مع شکله	کبوتر با کبوتر باز با باز / کند همجنس با همجنس پرواز	۵
معادلی یافت نشد.		بزک نمیر بهار میاد، کمبزه با خیار میاد.	۶
معادل عربی: شعره من الخنزیر مکسب		یک مو از خرس کردن غنیمت است.	۷
معادل عربی: الذی لایصل الی العنب یقول عنه حامض		روباه دستش به انگور نمی‌رسید، می‌گفت ترش است (گربه دستش به گوشت نمی‌رسد، می‌گوید بو می‌دهد)	۸
نانش در آتش و چشمش به همسایه است	فرصه فی ناره و عینه علی جاره	مرغ همسایه غاز است.	۹
معادلی یافت نشد.		یک کلاغ چهل کلاغ می‌کند.	۱۰

*** مَثَل‌هایی که تقریباً مطابقت واژگانی و معنایی کامل دارند:**

- «روباه دستش به انگور نمی‌رسید، می‌گفت ترش است» (گربه دستش به گوشت نمی‌رسد می‌گوید بو می‌دهد)

معادل عربی: الذی لایصل الی العنب یقول عنه حامض.

- «یک مو از خرس کردن غنیمت است».

معادل عربی: شعره من الخنزیر مکسب.

*** مَثَل‌هایی که مطابقت واژگانی نسبی و معنایی کامل دارند:**

- «کبوتر با کبوتر باز با باز / کند همجنس با همجنس پرواز»

معادل عربی: الطیور علی أشكالها تقع / کل طیر یطیر مع شکله

ترجمه فارسی: هر پرنده‌ای با هم‌شکل/هم‌نوعش پرواز می‌کند.

- «جوجه را آخر پاییز می‌شمارند».

معادل عربی: لا تعدّ الفراخ قبل فقسها.

ترجمه فارسی: جوجه‌ها را قبل از اینکه از تخم دربیایند، نشمار.

*** مثل‌هایی که مطابقت واژگانی ندارند، اما مطابقت معنایی دارند:**

- «مرغ همسایه غاز است».

معادل عربی: قرصه فی ناره و عینه علی جاره.

ترجمه فارسی: نانش در آتش و چشمش به همسایه است.

- «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است».

معادل عربی: أن تبدأ متأخراً خیر من ألا تبدأ أبداً.

ترجمه فارسی: دیر شروع کردن بهتر از هرگز شروع نکردن است.

- «هر که طاووس خواهد جور هندوستان کشد» (هر که خریزه می‌خورد پای لرزش هم

می‌نشیند).

معادل عربی: من طلب الحسنة يعطى مهرها.

ترجمه فارسی: هر که زیبارویی را طلب کند مهرش را هم باید بدهد.

- «علف باید به دهن بز شیرین بیاد».

معادل عربی: لو لا تعدد الأذواق لكسدت الأسواق/البضائع / و للناس فيما يعشقون

مذاهب

ترجمه فارسی: سلیقه‌ها یکنواخت نیست.

*** برای ضرب‌المثل‌های زیر معادلی ارائه و پیشنهاد نشد؛ ولی معنای آنها برای**

فارسی‌آموزان قابل درک بود:

- «بزک نمیر بهار میاد، کمبزه با خیار میاد».

- «یک کلاغ چهل کلاغ می‌کند».

۲-۵. ضرب‌المثل‌های عربی حاوی اسامی حیوانات همراه با معادل فارسی‌شان و دسته‌بندی آنها

در جدول ۲، ضرب‌المثل‌های رایج عربی حاوی اسامی حیوانات به‌دست آمده از کلاس فارسی آموزان عرب‌زبان همراه با ترجمه و معادل فارسی‌شان ارائه و در ادامه ده ضرب‌المثل پرتکرار ابتدایی - جهت رعایت تناسب و رعایت برابری تعداد این ضرب‌المثل‌ها با ضرب‌المثل‌های فارسی بخش پیشین - انتخاب و دسته‌بندی می‌شود.

جدول ۲: ضرب‌المثل‌های رایج عربی حاوی اسامی حیوانات به‌دست آمده از کلاس فارسی آموزان عرب‌زبان همراه با ترجمه و معادل فارسی آنها

ضرب‌المثل‌های عربی	ترجمه ضرب‌المثل‌های عربی به فارسی	معادل فارسی ضرب‌المثل‌های عربی
۱ القرد فی عین أمه غزال.	میمون در چشم مادرش غزال است.	سوسک به بچه‌اش می‌گوید قربان دست و پای بلوریت.
۲ کل کلب بیابه نباح.	سگ در خانه (صاحب)ش پارس می‌کند یا شیر/دلیر است.	
۳ عصفور فی الید خیر من عشره علی الشجره	یک گنجشک در دست بهتر از ده گنجشک روی درخت است.	گنجشک نقد به از طاووس نسیه
۴ من نهشته الحیه حذر الرسن الأبلق.	مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد.	
۵ مثل النعامه لاطیر و لاجمل.	مثل شتر مرغ که نه مرغ است و نه شتر	به شتر مرغ گفتند بپر گفت شترم، گفتند بار بپر گفت مرغم.
۶ نبح الکلاب لا یضر بالسحاب.	پارس سگان به ابرها آسیبی نمی‌رساند	با دعای گربه سیاه باران نمی‌بارد.
۷ ضرب عصفورین بحجر واحد.	با یک سنگ دو گنجشک را زدن	با یک تیر دو نشان را زدن.
۸ إشتهنا الدجاجه فأکلناها بریشها.	هوس مرغ کردیم سپس مرغ را با پرش خوردیم	از هول حلیم افتاد تو دیگ یا درون دیگ می‌افتد.
۹ إذا ذکرت الذئب فأعد له العصا.	اسم گرگ بیار چوب دست بگیر	اسم سگ بیار چوب دست بگیر.
۱۰ یا کلنی سبع (اسد) و لا یا کلنی کلب.	حیوان درنده/شیر مرا بخورد ولی سگ نخورد	همه را برق می‌گیرد ما را چراغ نفتی

معاادل فارسی ضرب‌المثل‌های عربی	ترجمه ضرب‌المثل‌های عربی به فارسی	ضرب‌المثل‌های عربی	
وقت گل نی	وقتی سوسمار آب بخورد / وقتی بین سوسمار و نهنگ دوستی برقرار شود	حَتَّى يَرِدَ الضَّبُّ / حَتَّى يُؤَلَّفَ بَيْنَ الضَّبِّ وَ التَّوْنِ	۱۱
گرگ در لباس بره		ذئب في لباس حمل.	۱۲
این گوی و این میدان	این اسب و این میدان	هذا الفرس هذا الميدان.	۱۳
هر کسی را در گور خودش می‌خوابانند.	هر گوسفندی با پاهای خودش آویزان می‌شود	كُلُّ شاه تناط بِرِجلها / كُلُّ شاه بِرِجلها مُعلِّقه	۱۴
به روباه گفتند شاهدت کیه؟ گفت: دم.	شاهد روباه دمشه	شاهد الثعلب ذنبه.	۱۵
اشک تمساح می‌ریزد.		ییکی بدموع کدموع تماسیح.	۱۶
شترسواری دولا دولا نمیشه / شترسواری و دولا دولا		ما استتر من قاد الجمـل.	۱۷
دیوار موش داره موش هم گوش داره.		إن للحيطان آذانا.	۱۸
از ماست که بر ماست.	خویشاوندان مانند عقرب هستند	الأقارب كالعقارب.	۱۹
خر ما از کرگی دم نداشت.		من نجا برأسه فقد ریح.	۲۰
لباس شخصیت نمی‌آورد.	ارزش اسب به پالانش نیست.	لیس الفرس بجله.	۲۱
مار در آستین پرورش داده است.	این سزای آدمی است که برای کفتار مادری می‌کند.	هذا جزاء مجیر أم عامر.	۲۲
ترحم بر پلنگ تیز دندان / ستمکاری بود بر گوسفندان	کسی که گرگ را چوپان کند، ظلم کرده است.	من استرعی الذئب ظلم.	۲۳
گرگ زاده گرگ شود.		لا ینبت البقله الا المقله.	۲۴
از بیم مار در دهان ازدها افتاد / از ترس عقرب جراه به مار غاشیه پناه می‌برد	از ترس خرس در چاه افتاد.	هَرَبَ مِنَ الدَّبِّ فَوَقَعَ فِي الْجُبِّ.	۲۵
سنگ مفت گنجشک مفت.		الق دلوک فی الدلا	۲۶
شیر تو شیر / خر تو خر شد / دوغ با دوشاب قاطی شد.		إختلط الحابل بالنابل / إختلط الخائر بالزباد	۲۷
هر دو سر و ته یک کرباس‌اند.	مثل خران عبادی (عبادی نام شخص است).	کِحماری العبادی.	۲۸

مبادل فارسی ضرب‌المثل‌های عربی	ترجمه ضرب‌المثل‌های عربی به فارسی	ضرب‌المثل‌های عربی	
کلاغ خواست راه رفتن کبک را بیاموزد، راه رفتن خودش را هم فراموش کرد.	الاغ به دنبال دو شاخ رفت با دو گوش بریده برگشت.	ذهی الحمار يطلب قرین فعاد مصلوم الأین.	۲۹
خر عیسی گرش به مکه برند، چون که برگردد هنوز خر باشد.	اگر خر لباس ابریشم بپوشد، مردم گویند ای آفرین بر خر.	فلو لبس الحمار ثياب خز لقال الناس یا لك من حمار.	۳۰

*** مثل‌هایی که تقریباً مطابقت واژگانی و معنایی کامل دارند:**

- من نهشته الحیه حذر الرسن الأبلق.
- ترجمه و مبادل فارسی: مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد.
- کل کلب بیابه نباح.
- ترجمه و مبادل فارسی: سگ در خانه (صاحب)ش پارس می‌کند یا شیر/دلیر است.
- مثل النعامه لاطیر و لاجمل.
- ترجمه: مثل شتر مرغ که نه مرغ است و نه شتر.
- مبادل فارسی: به شتر مرغ گفتند پیر، گفت شترم، گفتند بار ببر، گفت مرغم.
- إذا ذكرت الذئب فأعد له العصا.
- ترجمه: اسم گرگ بیار چوب دست بگیر.
- مبادل فارسی: اسم سگ بیار چوب دست بگیر.

*** مثل‌هایی که مطابقت واژگانی نسبی و معنایی کامل دارند:**

- عصفور فی الید خیر من عشره علی الشجره.
- ترجمه: یک گنجشک در دست بهتر از ده گنجشک روی درخت است.
- مبادل فارسی: گنجشک نقد به از طاووس نسیه.
- نیج الکلاب لایضر بالسحاب.
- ترجمه: پارس سگان به ابرها آسیبی نمی‌رساند.
- مبادل فارسی: با دعای گربه سیاه باران نمی‌بارد.
- القرء فی عین أمه غزال.

ترجمه: میمون در چشم مادرش غزال است.

معادل فارسی: سوسک به بچه‌اش می‌گوید قربان دست و پای بلوریت.

*** مَثَل‌هایی که مطابقت واژگانی ندارند، اما مطابقت معنایی دارند:**

- اِشْتِهینَا الدجاجة فأكلناها بریشها.

ترجمه: هوس مرغ کردیم سپس مرغ را با پرش خوردیم.

معادل فارسی: از هول حلیم افتاد تو دیگ یا درون دیگ می‌افتد.

- ضرب عصفورین بحجر واحد.

ترجمه: با یک سنگ دو گنجشک را زدن.

معادل فارسی: با یک تیر دو نشان را زدن.

- یا کلنی سبع (اسد) و لایا کلنی کلب.

ترجمه: حیوان درنده/شیر مرا بخورد ولی سگ نخورد.

معادل فارسی: همه را برق می‌گیرد ما را چراغ نفتی.

۶. تفسیر داده‌ها

بسیاری از تفاوت‌های فکری ملت‌ها را می‌توان از مَثَل‌های حاوی نمادهای حیوانی دریافت؛ زیرا با آنکه «انواع حیوانات در متون ادبی و به‌ویژه در ضرب‌المثل‌ها جایگاه خاصی دارند، اما این کاربرد و معانی آنها در فرهنگ‌های مختلف همیشه یکسان نیست» (وانگ زن رونگ، ۱۳۹۳: ۱۱) و «بسیاری از مَثَل‌ها نشانی از مختصات فرهنگی و بومی یک منطقه یا یک قوم هستند» (غلامی و احمدی، ۱۳۹۸: ۹۰)؛ از این رو، «مقایسه مَثَل‌ها نه تنها ابزار مفیدی در جهت شناخت اشتراکات شناختی— فرهنگی است، بلکه تمایزات موجود میان فرهنگ‌های مختلف را نیز آشکار می‌سازد» (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۱) و نشان می‌دهد مَثَل این «عنصر فرهنگی و ادبی تحت‌تأثیر موقعیت جغرافیایی هر سرزمینی ویژگی‌های خاص خود را یافته است» (عرفت‌پور، ۱۳۹۸: ۱) و کاربرد نام حیوانات در مَثَل‌ها ارتباط مستقیمی با جایگاه آنها در زندگی و فرهنگ مردم آن منطقه داشته و هر چه نقش حیوان و ارتباط (مثبت یا منفی) آن

در زندگی مردم بیشتر باشد، از نام آن در گفتار و مثل‌ها بیشتر استفاده شده است (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

«از دلایل روی آوردن به کاربرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌ها می‌توان به عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی، جذابیت ضرب‌المثل‌ها، ایجاز کلام و پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش‌دار اشاره کرد» (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۲)؛ زیرا کاربرد الفاظ متعلق به حیوانات بیش از آنکه به مفهوم مستقیم خود حیوان ارجاع داشته باشد، به معنای ضمنی و استعاری آن (همان صفات منتسب به حیوان یا صفات مشترک انسان و حیوان) اشاره می‌کند. این مفاهیم با توجه به ویژگی‌های ظاهری، خلق و خو، رفتار و جثه حیوان و براساس برداشت یا تصور جامعه انسانی از آن حیوان شکل گرفته است (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). برای مثال، اغلب هدف از کاربرد «گوسفند»، اشاره به شخصیتی است که بی‌اندک تأملی، پذیرای سخن دیگران است و از خود اندیشه‌ای مستقل ندارد و گویای بی‌خردی توأم با پذیرش رفتار نابخردانه است (رحیمی و رحیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۶-۱۱۵). البته «در ضرب‌المثل‌های فارسی گاهی شخصیت نمادین جانوران همراه با موقعیت زیستی و واکنش‌های طبیعی جلوه کرده و گوینده در القای مفاهیم مورد نظر خطاب به مخاطب ضرب‌المثل از این بیان نمادین بهره گرفته است» (حاجیان‌نژاد و بهزادیان، ۱۳۹۹: ۱۲۳) که این امر را می‌توان در ضرب‌المثل‌های خارجی نیز مشاهده کرد. در بخش بعدی نتایج بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های به‌دست آمده از کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان و الگوی پیشنهادی پژوهش ارائه می‌شود.

۶-۱. بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های به‌دست آمده از کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان

ضرب‌المثل‌های به‌دست آمده از کلاس فارسی‌آموزان عرب، اغلب کاربرد یکسانی در هر دو زبان فارسی و عربی داشتند و این امر شاید بنابر نظر عرفت‌پور (۱۳۹۸) به خاطر شباهت‌های فرهنگی عرب‌زبان‌ها و پارس‌ها است، اما از نظر به‌کارگیری اسامی حیوانات شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشتند: در ضرب‌المثل‌های فارسی (بخش ۵-۱) «ماهی» نماد سود و منفعت،

«خرس» نماد بخل، «روباه» نماد حيله گری، «طاووس» نماد شخص زیبارو، «مرغ» در مقایسه با «غاز» نماد چیزی با ارزش کمتر در مقایسه با چیزی با ارزش تر است. البته اسامی همه حیوانات به کار رفته در ضرب‌المثل‌های فارسی نماد نیستند؛ برای مثال در ضرب‌المثل‌های فارسی «علف باید به دهن بزى شیرین بیاد»، «بزك نمیر بهار میاد، کمزه با خیار میاد» و «یک کلاغ چهل کلاغ می‌کند»، «بز» و «کلاغ» نماد نیستند و استفاده از نام این حیوانات در این ضرب‌المثل‌ها به خاطر داستان‌هایی است که از آنها برآمده‌اند؛ البته با توجه به مفهوم «یک کلاغ چهل کلاغ کردن» و اینکه «کلاغ» نماد خبرچینی و خبررسانی است، شاید به این سبب باشد که از پرندۀ دیگری استفاده نشده است؛ همچنین در ضرب‌المثل فارسی «کبوتر با کبوتر باز با باز / کند همجنس با همجنس پرواز»، هدف از آوردن اسامی این پرندگان مطابق قسمت دوم ضرب‌المثل و معادل عربی آن، این باشد که هر پرندۀ اعم از اهلی (کبوتر) یا شکاری (باز) با هم‌نوع خودش می‌پرد. افزون بر این به نظر می‌رسد استفاده اختصاصی از نام پرندۀ شکاری «باز» صرفاً جهت حفظ آهنگ کلام است، چون یکی از ویژگی‌های برجستۀ اغلب ضرب‌المثل‌ها آهنگین بودن آنها است. همچنین در ضرب‌المثل فارسی «هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد»؛ چنانچه طاووس بدون معادل عربی آن در نظر گرفته شود، نماد نیست و اگر با معادل عربی آن مطابقت داده شود، همانا نماد «زیبارویی» است. «جوجه» نیز در ضرب‌المثل فارسی «جوجه را آخر پاییز می‌شمارند» و معادل عربی آن نماد نیست و مفهوم کلی ضرب‌المثل این است که باید صبر کرد تا در انتها نتیجۀ کار معلوم شود.

در ضرب‌المثل‌های عربی (بخش ۵-۲) که برای بهبود درک مفهوم ضرب‌المثل‌ها در اینجا از ترجمۀ آنها استفاده می‌شود، «مار» در ضرب‌المثل عربی «مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد» و معادل فارسی آن نماد ظلم و بدی، «سگ» در ضرب‌المثل «هر سگی در خانه صاحبش شیر/دلیر است»، نماد شخص ضعیف و ترسو، «شتر مرغ» در ضرب‌المثل عربی و معادل فارسی آن نماد بهانه‌گیری و «گرگ» در ضرب‌المثل عربی و «سگ» در معادل فارسی آن «اسم گرگ/سگ بیار چوب دست بگیر»، نماد شخص آسیب‌رسان است. «گنجشک» در ضرب‌المثل عربی (یک گنجشک در دست بهتر از ده گنجشک بر روی

درخت است) نماد نیست، اما در معادل فارسی آن (گنجشک نقد به از طاووس نسیه) نماد چیزی با ارزش کمتر در مقایسه با چیزی با ارزش بیشتر (طاووس) است. «سگ» و «گره» در ضرب‌المثل عربی (پارس سگان به ابرها آسیبی نمی‌رساند) و معادل فارسی آن (با دعای گره به سیاه باران نمی‌بارد) نماد شخص پست و فرومایه است. «میمون» در ضرب‌المثل عربی «میمون در چشم مادرش غزال است» و «سوسک» در معادل فارسی آن نماد زشتی است. «مرغ» و «گنجشک» در دو ضرب‌المثل عربی «هوس مرغ کردیم سپس مرغ را با پرش خوردیم» و «با یک سنگ دو گنجشک را زدن» نماد نیست، اما در ضرب‌المثل عربی «حیوان درنده/شیر مرا بخورد ولی سنگ نخورد»؛ «شیر» نماد شخص شجاع، قدرتمند و اصیل و «سگ» نماد شخص ضعیف، پست و بی‌اصالت است.

بعضی حیوانات مانند شتر، سگ، گرگ و سوسمار فراوانی بیشتری در ضرب‌المثل‌های عربی در جاهایی دارند که معادل فارسی آنها چیز دیگری است، مانند ضرب‌المثل عربی «پارس سگان به ابرها آسیبی نمی‌رساند» و معادل فارسی آن «با دعای گره سیاه باران نمی‌بارد» که بنابر گفته برخی از پژوهشگران این حوزه (مانند: زرکوب و امینی، ۱۳۹۳ و عرفت‌پور، ۱۳۹۸)، علت این امر فراوانی و وجود این گونه حیوانات در محیط زندگی اعراب و تأثیر آن بر زبانشان از جمله اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هایشان است.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، الگویی جامع ضرورت دارد که بتواند شباهت‌ها و تفاوت‌های اسامی حیوانات در ضرب‌المثل‌های زبان مادری زبان‌آموزان با زبانی نشان دهد که یاد می‌گیرند؛ از این‌رو الگویی در ادامه پیشنهاد می‌شود.

۲-۶. الگوی پیشنهادی پژوهش

اگرچه تنوع فرهنگی بیانگر تفاوت‌ها است، ولی وجوه مشترک را هم نمایان می‌سازد؛ به‌طور کلی «فرهنگ» ارزش‌ها، دستورالعمل‌ها و نحوه زندگی، عقاید و باورهای مردم را نشان می‌دهد که باید آن را از نمادها، وجوه یا مؤلفه‌های فرهنگی همچون «ضرب‌المثل‌ها» شناخت و یاد گرفت. افزون بر این، شناخت دیگر فرهنگ‌ها به شناخت بیشتر فرهنگ خود می‌انجامد (Rong, 2013: 31-32) و حیوانات به عنوان «یکی از عناصر مکرر و نقش‌آفرین در مثل‌ها»

(موسوی، ۱۳۹۴: ۸۶۵) نقش مؤثری را در شناخت ویژگی‌های جهانی (عام) و اختصاصی (خاص) فرهنگ‌ها و زبان‌ها و جوامع فرهنگی و زبانی ایفا می‌کند؛ در واقع گستره نام حیوانات در مثل‌ها نمایانگر زبانی و خلاقیت زبان و مطالعه و مقایسه آن با دیگر زبان‌ها، گامی در جهت شناخت بیشتر همگانی‌های زبان است (شریفی مقدم و ندیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

همان‌طور که در بخش چارچوب نظری بدان اشاره شد، ریچموند (۱۹۸۷) الگویی را برای مقایسه ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف در زبان‌آموزی پیشنهاد می‌دهد که می‌توان آن را با اصلاحاتی برای مقایسه کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف، به‌ویژه جهت مقایسه کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی و زبان مادری فارسی‌آموزان ملل مختلف به کار برد. برای آنکه این الگو جامع‌تر و کاربردی‌تر شود، می‌توان مقایسه کارکردهای ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف را نیز به مقایسه معانی و عبارات افزود و آن را براساس جدول ۳ برای مقایسه کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف، به‌ویژه برای فارسی‌آموزی و کاربران غیربومی زبان فارسی در ایران (فارسی به عنوان زبان دوم) تعمیم داد و از طریق آن به کارکردهای متفاوت و مشابه حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب‌المثل‌های زبان مادری فارسی‌آموزان ملل مختلف و ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و شباهت‌ها و تفاوت‌های کاربردشناختی زبانی، اجتماعی و فرهنگی هر دو زبان (مادری و فارسی) به عنوان زبان دوم (یا خارجی) و از همه مهم‌تر میزان تداخل (انتقال منفی) و انتقال‌های مثبت و درنهایت شدت دشواری درک و یادگیری مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی زبان فارسی برای فارسی‌آموزانی با فرهنگ و زبان‌های متفاوت پی برد.

جدول ۳: الگوی اصلاح‌شده ریچموند (۱۹۸۷) برای مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد حیوانات (نمادهای حیوانی) در ضرب‌المثل‌های زبان‌های مختلف

۱	ضرب‌المثل‌های هر دو زبان [خارجی و مادری] حیواناتی (نمادهای حیوانی) مشابه، با معنا و کاربردی یکسان دارند (مانند: اسب و مار در دو زبان چینی و فارسی).
۲	ضرب‌المثل‌های هر دو زبان حیواناتی (نمادهای حیوانی) مشابه، با معنا و کاربردی متفاوت دارند (مانند: اژدها در دو زبان چینی و فارسی).

۳	ضرب‌المثل‌های هر دو زبان حیواناتی (نمادهای حیوانی) متفاوت، با معنا و کاربردی یکسان دارند (مانند: ببر چینی و شیر ایرانی).
۴	برای حیوانات (نمادهای حیوانی) ضرب‌المثل‌های خارجی معادلی در زبان مادری زبان‌آموزان وجود ندارد، ولی معنا و کاربرد آن برای آنها قابل درک است (مانند: تشخیص و درک قدرت و شجاعت شیر ایرانی در ضرب‌المثل‌های فارسی برای چینی‌زبان‌ها و فارسی‌آموزان چینی).
۵	نه تنها برای حیوانات (نمادهای حیوانی) ضرب‌المثل‌های خارجی معادلی در زبان مادری زبان‌آموزان وجود ندارد، بلکه معنا و کاربرد آنها نیز نامفهوم و ناملموس است، مانند: درک مفهوم هما (پرندهٔ سعادت و خوشبختی) و سیمرغ یا عنقا (پرندهٔ افسانه‌ای) در ضرب‌المثل‌های ادبی فارسی (برای فارسی‌آموزان خارجی).
۶	برای یک حیوان (نماد حیوانی) در ضرب‌المثل خارجی دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) در زبان مادری زبان‌آموزان با کارکردهای یکسان یا متفاوت وجود دارد.
۷	برای یک حیوان (نماد حیوانی) در ضرب‌المثل زبان مادری زبان‌آموزان دو یا چند حیوان معادل (معادل حیوانی) با کارکردهای یکسان یا متفاوت در زبان خارجی است.

مواردی که بیان شد، نشان می‌دهد ضرب‌المثل‌ها با اطلاعات مفید و مهمی که در خود دارند؛ روش خوبی برای تحلیل چستی و چرایی و یافتن الگوها و ارزش‌های یک فرهنگ هستند (Rong, 2013: 34). در نتیجه زبان‌آموزان با آشنایی به این گونه تحلیل‌ها و شناخت متقابلی که از مؤلفه‌های فرهنگی جامعهٔ زبان خارجی و زبان مادری به دست می‌آورند، آن زبان را بهتر یاد می‌گیرند که آموزش مؤلفه‌های فرهنگی مستتر در نمادهای (حیوانی، گیاهی و...) موجود در ضرب‌المثل‌ها یکی از این راهکارها است. از این‌رو مطالعهٔ تطبیقی ضرب‌المثل‌ها می‌تواند برای آموزش زبان خارجی، به‌ویژه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بسیار مفید باشد.

نتیجه

نقش حیوانات در زندگی انسان‌ها بر زبان و ادبیات آنها نیز اثر گذاشته است. این اثر در ضرب‌المثل‌های جوامع زبانی نمود یافته است که گاهی اسامی حیوانات، نمایانگر کارکردهای یکسان و بیانگر مفاهیمی مشترک و گاهی متفاوت در میان جوامع زبانی مختلف هستند. شناخت این شباهت‌ها و تفاوت‌ها یادگیرندگان زبان را به درک درست مفاهیم القائی اسامی حیوانات در ضرب‌المثل‌های زبان خارجی (مقصد) رهنمون می‌سازد و مانع از انتقال منفی یا

تداخل کاربردشناختی در برداشتی شده که از کارکرد معنایی و مفهومی یک حیوان در زبان مادری (مبدأ) خود دارند و از همه مهم‌تر مانع از تداخل ارتباطی در کنش‌های ارتباطی‌شان در موقعیت‌ها و رویدادهای زبانی مختلف می‌شود؛ زیرا کاربر غیربومی (مخاطب) آن زبان را به اصل منظوری می‌رساند که کاربر بومی (گوینده) از بیان آن ضرب‌المثل داشته است و از ایجاد سوء تفاهم‌های زبانی- فرهنگی پیشگیری می‌کند. ضرب‌المثل‌ها در زبان و ادبیات رسمی و عامه، و بخش قابل توجهی از کلام فارسی‌زبانان در گفتار و نوشتار رسمی و غیررسمی از آگهی‌های تبلیغاتی تا سخنرانی‌های سیاسی حضور دارند و خاصیت اصلی آنها ملموس کردن مسائل انتزاعی، غیرمستقیم‌گویی، اختصار، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلام است. افزون بر خاصیت زبانی- ادبی، ضرب‌المثل‌ها از نظر درک مؤلفه‌های فرهنگی- اجتماعی برای فارسی‌آموزی، و افزایش دانش و توانش کاربردشناختی و زبان‌شناختی اجتماعی و سواد فرهنگی فارسی‌آموزان خارجی برای شرکت مؤثر آنها در رویدادهای زبانی مختلف، به‌ویژه در جامعه فارسی‌زبان (فارسی به عنوان زبان دوم) بسیار ارزشمند هستند؛ از این رو یادگیری ضرب‌المثل‌های فارسی- به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر کلام فارسی‌زبانان- به‌ویژه درک و شناخت نمادهای حیوانی موجود در این ضرب‌المثل‌ها راهکار و توانشی راهبردی برای افزایش قدرت عملکردی کاربران غیربومی زبان فارسی و فارسی‌آموزان خارجی در ارتباطات گفتاری و نوشتاری‌شان است و برای تقویت توانش ارتباطی آنها ضرورت دارد؛ زیرا آشنایی با کارکردهای اجتماعی نمادهای حیوانی به کار رفته در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی، فرد خارجی را از کارکردهای اجتماعی آن ضرب‌المثل‌ها در جامعه فارسی‌زبان آگاه و جنبه‌های اجتماعی کاربردشناختی زبان فارسی را برای او نمایان‌تر می‌سازد و او را برای شرکت مؤثر در کنش‌های ارتباطی در موقعیت‌ها و رویدادهای کلامی مختلف آماده می‌سازد؛ همچنین یاد می‌گیرد که چگونه و از چه ضرب‌المثل‌هایی، در کجا، چه زمانی و خطاب به چه کسی استفاده کند.

در پژوهش حاضر با بررسی و مقایسه ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی در کلاس فارسی‌آموزان عرب‌زبان بنابر الگوی اصلاح‌شده ریچموند (۱۹۸۷) به این نتیجه رسیدیم که

ضرب‌المثل‌های حاوی اسامی حیوانات هر دو زبان شباهت‌های بسیاری از نظر عبارت، معنا و کاربرد دارند که به نظر عرفت‌پور (۱۳۹۸) به خاطر شباهت‌های فرهنگی عرب‌زبان‌ها و پارس‌ها است. زرکوب و امینی (۱۳۹۳) نیز دلیل شباهت‌ها را در مهاجرت اقوام به نقاط مختلف زمین می‌دانند که همراه با خود، امثال خود را نیز به همراه می‌برند و به مرور زمان آن مثل در مکان جدید و در میان اقوام جدید با تغییر یا بدون تغییر وارد می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر شباهت‌های موجود در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی نشان از اشتراکات منطقه‌ای، قومیتی، مذهبی و مسائلی می‌باشد که پیوند ملت عرب و پارس را رقم زده و هر کدام از این مؤلفه‌ها نیازمند بررسی‌های تخصصی است.

درنهایت، با توجه به اهمیت ضرب‌المثل‌ها در فارسی‌آموزی به پژوهشگران توصیه می‌شود ابعاد و وجوه آموزشی ارزشمند ضرب‌المثل‌ها را با انجام پژوهش‌های کاربردی، بیشتر معرفی نمایند تا در فرآیند یاددهی - یادگیری و به کارگیری زبان فارسی از حداقل تداخلات زبانی-فرهنگی پیشگیری و یا کاسته و حداکثر استفاده از اشتراکات زبان فارسی و زبان مادری فارسی‌آموزان شود. به برنامه‌ریزان درسی و آموزشی، طراحان محتوا و مدرسان زبان فارسی نیز پیشنهاد می‌شود از فرهنگ‌هایی همچون «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» ذوالفقاری (۱۳۸۸) با یکصد هزار ضرب‌المثل همراه با نمایه موضوعی و کلیدواژه‌ای، جهت انتخاب ضرب‌المثل‌های مناسب برای آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان (آزفا) استفاده کنند و به دلیل تعداد و تنوع زیاد ضرب‌المثل‌های فارسی حاوی عناصر طبیعی همچون حیوانات از به کارگیری این گونه محتواهای اصیل، جذاب و انگیزه‌بخش در فارسی‌آموزی چه به خارجیان و چه در مناطق دو یا چندزبانه ایران غافل نشوند؛ زیرا با آموزش این ضرب‌المثل‌ها، «با یک تیر دو نشان را می‌زنند» و فرهنگ و زبان را با هم به فارسی‌آموزان آموزش می‌دهند.

تعارض منافع

طبق گفته نویسنده‌گان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- آرمان، علیرضا؛ علوی مقدم، مهیار؛ تسنیمی، علی؛ الیاسی، محمود. (۱۳۹۸). «نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌های پرآمده از متون ادب فارسی». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال هفتم. شماره ۲۶. صص: ۲۰۷-۲۴۰.
- اکبری، فاطمه. (۱۳۸۲). «بررسی جامعه‌شناختی ضرب‌المثل‌ها و انتخاب آنها برای آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان». نامه پارسی. سال هشتم. شماره ۳. صص: ۲۵-۵۰.
- حاجیان‌نژاد، علیرضا؛ بهزادیان، مژگان. (۱۳۹۹). «تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی با تکیه بر داستان‌نامه بهمنیاری». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال هشتم. شماره ۳۱. صص: ۱۲۱-۱۵۶.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: معین.
- رحیمی، ابولقاسم؛ رحیمی، مهدی. (۱۳۹۹). «تپ‌های شخصیتی و نمادهای جانوری در امثال و حکم و فرهنگ عامه براساس نظریه آلفرد آدلر». دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه. سال هشتم. شماره ۳۶. صص: ۹۹-۱۲۷.
- زرکوب، منصوره؛ امینی، فرهاد. (۱۳۹۳). «تحلیل مقابله‌ای امثال در فارسی و عربی از نظر معنا، واژگان و سبک (بررسی موردی بیست و یک مثل)». دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال چهارم. شماره ۱۰. صص: ۱۱۹-۱۳۹.
- زندگی، بهمن؛ بحرینی، مسعود؛ سبزواری، مهدی؛ مهدی بیرقدار، راضیه. (۱۳۹۷). «بررسی اجتماعی-شناختی تابو و حسن تعبیر در ساختارهای عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی». دوماهنامه جستارهای زبانی. دوره نهم. شماره ۶. صص: ۳۱۷-۳۳۴.
- شریفی مقدم، آزاده؛ ندیمی، نرجس. (۱۳۹۲). «تحلیلی معناشناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار (با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی)». نامه فرهنگستان. سال سیزدهم. شماره ۱. صص: ۱۳۷-۱۵۹.
- عرف پور، زینه. (۱۳۹۸). «کارکرد برخی حیوانات در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی». دوفصلنامه کهن‌نامه ادب پارسی. سال دهم. شماره ۱. صص: ۱-۲۹.
- غلامی، فاطمه؛ احمدی، فاطمه. (۱۳۹۸). «سخن و شایست و نشایست‌های آن در آیین ضرب‌المثل‌ها». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی. سال دهم. شماره ۴۱. صص: ۸۷-۱۳۰.

- موسوی، جلال. (۱۳۹۴). «بررسی نوع حیوانات و علل وجود آنها در ضرب‌المثل‌ها». مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. صص: ۸۶۳-۸۶۸.
- وانگ زن رونگ. (۱۳۹۳). «حیوانات در ضرب‌المثل‌های چینی و فارسی». مجله مطالعات انتقادی ادبیات. سال اول. شماره ۲. صص: ۱۱-۳۰.
- Ajoke, A.R., Hasan, Md. K. & Suleiman, Y. (2015). Examining the use of proverbs in teaching English as second language: An implication for secondary school principals in Nigeria. *International E-Journal for Research in ELT*. 1(3).
- Akbarian, I. (2010). A spice of classroom: Incorporating proverbial expressions in EFL classes. *The Journal of Asia TEFL*. 7(1), 221-238.
- Baharian, E. & Rezai, M.J. (2014). The effect of proverbs on learning vocabulary through visual organizers. *International Journal of English Language Teaching*. 2(4), 16-32.
- Hanzén, M. (2007). “When in Rome, do as the Romans do” proverbs as a part of EFL teaching. *Högskolan För Larande Och Kommunikation (HLK)*, 36, 1-27.
- Krikmann, A. (2009). *Proverb semantics: Studies in structure, logic, and metaphor*. Burlington, Vermont: Queen City Printers Inc.
- Meier, A. J. (1997). Teaching the universals of politeness. *ELT Journal*, 51(1), 21-28. Oxford: Oxford University Press.
- Mieder, W. (1993). *Proverbs are never out of season. Popular wisdom in the modern age*. New York: Oxford University Press.
- Mieder, W. (2004). *Proverbs: A handbook*. Westport, CT: Greenwood Press.
- Mirhosseini, S. A. (2017). Early metaphorical communication: Farsi-speaking children beginning to learn proverbs. *Online Journal of Communication and Media Technologies*, 7(1), 71-86.
- Richmond, E. B. (1987). Utilizing proverbs as a focal point to cultural awareness and communicative competence: Illustrations from Africa. *Foreign Language Annals*, 20(3), 213-216.
- Rong, H. (2013). Proverbs reveal culture diversity. *Cross-Cultural Communication*, 9(2), 31-35.
- Zaid, A. (2016). Using proverbs as a lead-in activity in teaching English as a foreign language. *International Journal on Studies in English Language and Literature (IJSELL)*. 4(10), 1-5.